

باسمه تعالی

- جهت پنجم: موافقت التزامیه ۱
- استدلال بر عدم وجوب موافقت التزامیه ۲
- ثمره وجوب موافقت التزامیه ۲
- جهت ششم: حجیت دلیل عقلی ۳

موضوع: حجج و امارات / قطع / وجوب موافقت التزامیه**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسات گذشته چهار جهت از جهات بحث قطع، بررسی شد. در این جلسه جهت پنجم یعنی موافقت التزامیه بررسی خواهد شد.

جهت پنجم: موافقت التزامیه

بحث در این است که آیا علاوه بر وجوب عمل به احکام شرعیه، موافقت التزامی با احکام شرعیه هم لازم است؟ توضیح اینکه انسان دو نحوه فعل دارد: افعال جوارحی مانند حرکت دست و پا؛ و افعال جوانحی مانند تفکر و تعقل و تخیل؛ «موافقت التزامیه» به معنای خشوع و رضایت به تکالیف الهی است. به عنوان مثال امر به نماز، موجب موافقت عملی است یعنی باید نماز بخوانیم، که همان امتثال این امر است؛ سوال این است که آیا باید موافقت التزامی به آن هم داشته باشیم؟ ممکن است زید امتثال وجوب نماز نموده و نماز بخواند، اما نسبت به وجوب آن، استنکار قلبی داشته باشد.

بنابراین موافقت التزامیه همان رضای باطنی و خشوع قلبی و اتقیاد در مقابل اوامر الهی است، که این التزام امری اختیاری و ارادی است. یعنی ممکن است با یک امر عملاً مخالفت شده و نماز خوانده نشود، اما قلباً موافقت التزامی به وجوب نماز داشته باشد؛ و ممکن است عملاً موافقت شده و نماز بخواند، اما قلباً مخالفت التزامیه با وجوب نماز شود. در نتیجه موافقت التزامیه همان عقد القلب است که غیر از ایمان است، زیرا ایمان در مورد اعتقادات است مانند ایمان به توحید یا ایمان به معاد یا ایمان به نبوت و مانند آن؛ و غیر از تصدیق و اعتقاد جزمی است. یعنی گاهی در نفس یک تصدیق ایجاد شده، و گاهی ایمان محقق می‌شود، و گاهی عقد القلب و موافقت التزامیه محقق می‌شود.

به نظر می‌رسد در افق نفس فقط همان «اعتقاد» و «تصدیق» است، و امر دیگری در نفس به نام «ایمان» و «عقد القلب» وجود ندارد. یعنی تصویری از «موافقت التزامیه» وجود ندارد. اعتقاد جزمی یا تصدیق نیز اختیاری نیست، هرچند گاهی مقدمات آن اختیاری است. به عنوان مثال تصدیق به وجود زید یا عدم زید در یک اتاق ممکن نیست (بدون مقدمه) در نفس محقق شود،

اما با مقدمه اختیاری ممکن است چنین تصدیقی محقق شود. یعنی اگر درب اتاق باز شده، و درون آن دیده شود، جزم به وجود یا عدم زید در اتاق حاصل می‌شود.

استدلال بر عدم وجوب موافقت التزامیه

به هر حال سوال این است که آیا علاوه بر امتثال اوامر الهی، موافقت التزامیه هم لازم است؟ اصل بحث عقلی است، اما لزوم شرعی هم بحث خواهد شد:

الف. وجوب شرعی: با مراجعه به ادله شرعی، مطلوب در اوامر الهی همان «نماز» یا «صیام» است، که این امور از افعال جوارحی هستند نه افعال جوانحی؛ و یا در امر به وجوب «حج» آنچه در شرع مطلوب است همین طواف و احرام و مانند آن است، نه چیز بیشتر. بنابراین «وجوب موافقت التزامیه» از ادله تکالیف الهی استفاده نمی‌شود.

ب. وجوب عقلی: عقل حکم به لزوم اطاعت خداوند دارد؛ یعنی به هر چه امر نموده است، باید اتیان شود. به عنوان مثال امر به نماز و صیام شده است لذا باید نماز و صیام اتیان شوند. همانطور که در مقدمه قبل گفته شد ادله فقط افعال جوارحی مانند نماز و صوم را واجب می‌دانند. عقل نیز بیش از اطاعت همان اوامر را لازم نمی‌داند.

ثمره وجوب موافقت التزامیه

گفته شده بحث از موافقت التزامیه، دارای ثمره اصولی در برخی مسائل علم اصول است. توضیح اینکه گاهی در اطراف علم اجمالی، دو اصل جاری می‌شود. یعنی زمینه جریان هر دو اصل وجود دارد، و از جریان دو اصل هیچ مخالفت عملیه‌ای لازم نمی‌آید. در این موارد قول به وجوب موافقت التزامیه ثمره دارد، که اگر واجب نباشد هر دو اصل جاری خواهند بود؛ و اگر واجب باشد هر دو اصل با هم جاری نخواهند بود؛ زیرا هر چند از جریان دو اصل مخالفت عملیه لازم نمی‌آید، اما با موافقت التزامیه به تکلیف واقعی منافات دارد. به عنوان مثال اگر یقین به طهارت یکی از دو اناء وجود داشته باشد، که هر دو استصحاب نجاست دارند، در این مورد هر دو اصل جاری می‌شوند یا نمی‌شوند؟ در صورت عدم وجوب موافقت التزامیه، از جریان این دو اصل با هم مخالفت عملیه لازم نمی‌آید؛ زیرا هر دو منجز تکلیف هستند و با ترک هر دو با هیچ تکلیفی مخالفت نشده است؛ اما در صورت وجوب موافقت التزامیه، نباید دو اصل با هم جاری شوند؛ زیرا باید موافقت التزامیه به طهارت یکی از آن دو (که علم به چنین حکمی در واقع دارد) وجود داشته باشد.

این ثمره نیز تمام نیست؛ زیرا از این ثمره جواب داده شده که مشکلی ندارد زید قلباً موافقت التزامیه به طهارت واقعی یکی از دو اناء داشته، و ظاهراً به نجاست ظاهری دو اناء ملتزم شود. بنابراین این ثمره صحیح نیست.

جهت ششم: حجیت دلیل عقلی

مرحوم آخوند بحث از حجیت دلیل عقلی را مطرح ننموده است، اما شهید صدر بعد از بحث اخذ علم و قبل از بحث قطع، این بحث را اضافه نموده است. اصل بحث در مورد معارضه کلمات علمای اخباری با علمای اصولی است. مطالبی که به علمای اخباری استناد داده می‌شود، به نقل از شهید صدر است.

علمای اصولی در موارد زیادی از علم اصول به مقدمات عقلیه استدلال می‌نمایند مانند بحث «ضد» و بحث «ترتب» و بحث «اجتماع امر و نهی» و بحث «مقدمه واجب»؛ و حتی در بحث ادله حجیت خبر واحد نیز یکی از ادله «دلیل عقل» است؛ و در مباحث تعارض ادله نیز از استدلالات عقلیه استفاده شده است. در علم فقه نیز بر اساس همین استدلالات، وارد استنباط احکام شده‌اند.

در مقابل علمای اصولی، در اعتقاد علمای اخباری، قطعی که از مقدمات عقلیه حاصل شود، حجیت نیست. یعنی چنین قطعی معذور و منجز نیست (حتی «بما هو احتمال» هم منجز نیست). اخباریون با روش علمای اصولی مخالفت نموده و فرموده‌اند باید به دنبال «کتاب» و «سنت» بود. با مراجعه به آنها ممکن است وجوب یا حرمت علمی معلوم شود؛ اگر هم وجوب یا حرمت علمی معلوم نشد، با مراجعه به کتاب و سنت، وظیفه عملی مکلف معلوم خواهد شد؛ زیرا در شبهات تحریمیه امر به احتیاط، و در شبهات وجوبیه برائت جاری شده است. البته اخباریون نیز دلیل عقلی را در دو مورد قبول نموده‌اند:

الف. قبل از شریعت: واضح است که وجود خداوند متعال و نبی اکرم صلی الله علیه و آله، با گفته خود آنها قابل اثبات نیست. بنابراین در این موارد باید به دلیل عقلی تمسک کرد.

ب. بعد از شریعت: بعد از اینکه با مراجعه به کتاب و سنت احکامی شرعی معلوم شدند، چرا باید امتثال شوند؟ حکم به لزوم اطاعت خداوند نیز با کمک عقل به دست خواهد آمد.

به عبارت دیگر این دو مورد نیز در عرض کتاب و سنت نیستند، یعنی در مرحله استنباط احکام الهی نباید از دلیل عقلی کمک گرفت، بلکه باید احکام شرعی از ادله شرعی (کتاب و سنت) استنباط شوند.

۱. مرحوم فیض در «کتاب الاصول الاصلیه» فوارق بین نظر علمای اصولی و اخباری را در سی مسأله اساسی بیان نموده، و سپس از نظریه اخباریون دفاع کرده است. این کتاب برای به دست آوردن اختلافات بین اصولیون و اخباریون کتاب خوبی است.